آزادکردن زندانی به‌جای تولد لاکچری

مدیرعاملی که طعم روزهای سخت مالی را چشیده، تولد خودش و عزیزانش را بهانه آزادی زندانیان غیرعمد کرده است

مدیرعامل یک شرکت، تولدش را بهانه‌ای برای جشن گرفتن نکرد. او تصمیم گرفت روز تولدش را با باز شدن درب یک زندان و بازگشت یک زندانی به آغوش خانواده‌اش ماندگار کند. مردی که خودش روزهایی سخت و پر از فشار مالی را پشت‌سر گذاشته و طعم محکومیت مالی را چشیده، این بار به جای برگزاری مهمانی و هزینه کردن برای یک دورهمی، ۱۰۰ میلیون تومان برای آزادی یک زندانی اختصاص داد؛ تصمیمی که حالا قرار است ادامه پیدا کند و تا عید، سه زندانی دیگر نیز به نیت عزیزانش از زندان آزاد شوند.

این مدیرعامل که خود سابقه محکومیت مالی در پرونده مهریه را دارد، زمانی با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کرد و فشار آن روزها آن‌قدر زیاد شده بود که حتی برای آرام کردن خودش به مصرف قرص‌های آرام‌بخش روی آورد. حالا اما شرایط زندگی‌اش تغییر کرده و توانسته بخشی از مشکلات مالی خود را پشت سر بگذارد؛ اتفاقی که نگاهش را به زندگی و رنج دیگران تغییر داد. او می‌گوید تجربه روزهای سخت باعث شد شرایط کسانی را که به دلیل بدهی و محکومیت مالی پشت میله‌های زندان هستند، بهتر درک کند؛ افرادی که شاید اگر بدهی‌شان پرداخت شود، می‌توانند دوباره به خانه و کنار خانواده‌های‌شان برگردند. همین تجربه باعث شد وقتی نوبت به تولد خودش رسید، به جای آن‌که این روز را تنها با دوستان و نزدیکانش جشن بگیرد، تصمیم بگیرد بخشی از دارایی‌اش را صرف آزادی یک زندانی کند.

برای او، ۱۰۰ میلیون تومان فقط یک کمک مالی نبود؛ تصمیمی بود برای این‌که تولدش یادآور آزادی یک انسان باشد. انسانی که می‌توانست دوباره به خانه برگردد و کنار خانواده‌اش زندگی کند. این مرد حالا می‌گوید این کار را ادامه خواهد داد. او تصمیم گرفته تا عید، زمینه آزادی سه زندانی دیگر را فراهم کند؛ سه آزادی به نیت سه نفر که هرکدام جایگاه خاصی در زندگی او دارند. دوزندانی به مناسبت تولد فرزندانش آزاد خواهند شد؛ فرزندانی که نزد مادرشان زندگی می‌کنند. زندانی سوم نیز به مناسبت تولد همسر سابقش از بندرهایی پیدا خواهد کرد؛ زنی که مدت‌هاست از او دور است. او می‌گوید می‌خواهد این آزادی‌ها را هدیه‌ای برای سلامتی و شادی آنها قرار دهد؛ هدیه‌ای که شاید ارزش آن از هر هدیه دیگری بیشتر باشد چراکه قرار است زندگی سه خانواده را تغییر دهد و سه نفر را از پشت میله‌های زندان به خانه بازگرداند. این مدیرعامل حالا نگاه دیگری به کار خیر پیدا کرده است. او می‌گوید انجام کارهای خیر و نماز خواندن، امروز برایش آرامشی به همراه دارد که زمانی برای رسیدن به آن سراغ قرص‌های آرام‌بخش می‌رفت. تجربه سختی‌های گذشته باعث شده حالا آرامش خود را در کمک به دیگران جست‌وجو کند؛ کمک به کسانی که شاید خودشان در سخت‌ترین روزهای زندگی‌شان گرفتار شده‌اند.

اما تصمیم او به همین چند آزادی ختم نمی‌شود. این مرد می‌خواهد کار خیر را وارد زندگی حرفه‌ای خود نیز کند. به گفته او، از این پس بخشی از هر قرارداد شرکت را به آزادی زندانیان اختصاص خواهد داد؛ تصمیمی که اگر ادامه پیدا کند، می‌تواند هر قرارداد را به فرصتی برای باز شدن یک در بسته و بازگشت یک انسان به خانواده‌اش تبدیل کند. بدین‌ترتیب، تولد برای این مدیرعامل دیگر فقط یک روز در تقویم و فرصتی برای برگزاری جشن و مهمانی نیست. حالا هر تولد می‌تواند یادآور آزادی یک انسان باشد. هر شمع روی کیک می‌تواند بهانه‌ای برای روشن شدن چراغ خانه‌ای باشد که یکی از اعضایش پشت میله‌های زندان مانده و هر هدیه می‌تواند به جای قرار گرفتن در دست یک نفر، سرنوشت یک خانواده را تغییر دهد.

عباس کشانی مدیر ستاد مردمی دیه استان تهران، با اشاره به چنین اقداماتی گفت: اقدام افرادی که مناسبت‌های شخصی زندگی خود را به آزادی زندانیان گره می‌زنند، می‌تواند زمینه بازگشت یک محکوم مالی به خانواده‌اش را فراهم کند. گاهی یک تصمیم شخصی و یک کمک فردی می‌تواند سرنوشت یک انسان و خانواده‌اش را تغییر دهد و نشان دهد برای برداشتن قدمی در مسیر آزادی زندانیان، همیشه نیاز به اقدامات بزرگ نیست. گاهی یک تولد، یک قرارداد یا حتی یک تصمیم ساده می‌تواند بهانه‌ای برای باز شدن درهای زندان باشد.

جزئیات سرقت ساعت میلیاردی سفیر فیلیپین

مجید غمخوار
گروه حوادث

سرایدار سابقه‌دار که از خانه سفیر فیلیپین در تهران ساعت میلیاردی سرقت کرده بود، در کمتر شش ساعت دستگیر شد. متهم ۱۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۳ روز ۱۲ مهر ۱۴۰۵ سرقت از خانه سفیر فیلیپین در شهرک غرب به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. با توجه به حساسیت موضوع، تیم ویژه سرقت در کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس تشکیل شد و ماموران تحقیقات برای شناسایی سارق را آغاز کردند.

سرهنگ افشار سرکلانتر دوم پایتخت، در تشریح این پرونده گفت: در بررسی‌های اولیه مشخص شد فردی که همراه همسرش برای انجام امور سرایداری و نگهداری از فرزند خانواده در این منزل مشغول کار بوده، یک ساعت مچی طلا به ارزش تقریبی ۵ میلیارد تومان را سرقت کرده و متواری شده است. وی ادامه داد: ماموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و تخصصی، هویت متهم را شناسایی کردند و مشخص شد او به اسلامشهر گریخته. در نهایت، ساعت ۱۸ همان روز، یعنی کمتر از شش ساعت پس از اعلام سرقت شناسایی و دستگیر شد.

به گفته سرهنگ افشار، در بازرسی از محل سکونت متهم، ساعت مچی مسروقه کشف و به‌عنوان مال سرقت‌شده صورت‌جلسه شد.

عدم تکمیل بررسی سوابق پیش از استخدام

وی درباره نحوه ورود متهم و همسرش به منزل این خانواده گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد این افراد از طریق یک آگهی کاری با خانواده آشنا شده و پس از توافق برای انجام امور سرایداری و نگهداری از فرزند در منزل مشغول کار شده بودند.

سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ تصریح کرد: متهم پیش از شروع به‌کار، وعده ارائه گواهی عدم سوءپیشینه داده بود اما پیش از تکمیل بررسی‌های لازم درباره سوابق، او و همسرش وارد منزل شده و مشغول کار شده‌اند. وی افزود: با توجه به نوع فعالیت متهم به‌عنوان سرایدار و فعالیت همسرش به‌عنوان پرستار فرزند، این افراد به بخش‌های مختلف منزل دسترسی داشته‌اند و همین دسترسی، زمینه آشنایی آنها با محیط داخلی منزل و محل نگهداری برخی اموال را فراهم کرده است.

سرهنگ افشار تاکید کرد: این پرونده اهمیت احراز هویت، بررسی دقیق سوابق و دریافت گواهی معتبر عدم سوءپیشینه پیش از به‌کارگیری نیروهای خدماتی و ورود آنان به حریم خصوصی منازل را نشان می‌دهد.

سابقه قبلی متهم

سرهنگ افشار در ادامه از وجود سابقه کیفری برای متهم خبر داد و گفت: این فرد در شهریور سال ۱۴۰۲ سابقه سرقت داشته و در آن مقطع در یک باشگاه ورزشی در خیابان هنگام مشغول کار بوده است. طبق بررسی‌های انجام‌شده او طی حدود شش ماه اقدام به سرقت تدریجی برخی اموال از محل کرده بود که ارزش اموال سرقت‌شده حدود ۱۰۰ میلیون تومان برآورد شد. متهم در پرونده قبلی دستگیر و به تحمل شش ماه حبس محکوم و در نوروز سال ۱۴۰۳ از زندان آزاد شد.

وی تاکید کرد: با توجه به سوابق متهم، نحوه دسترسی وی به منزل و روند شناسایی و کشف مال مسروقه، تحقیقات تکمیلی برای روشن شدن ابعاد مختلف پرونده و بررسی نحوه و انگیزه وقوع سرقت ادامه دارد.

برش

ماهی ۱۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفتم

مرد ۳۷ ساله در گفت‌وگو با جام‌جم درباره جزئیات سرقت ساعت ۵ میلیارد تومانی از خانه سفیر فیلیپین توضیح داد که در ادامه آن را می‌خوانید.

چگونه وارد خانه سفیر شدی؟

چند ماه قبل در سایت دیوار آگهی استخدام سرایدار را دیدم و همراه همسرم برای کار مراجعه کردیم. بعد از صحبت با همسر سفیر، قرار شد به‌عنوان سرایدار و نظافتچی یک ماه به‌صورت آزمایشی مشغول کار شوم و همسرم هم پرستار کودک یک‌ساله آنها باشد.

چقدر حقوق می‌گرفتی؟

ماهی ۵۰۰ دلار که حدود ۱۲۰ میلیون تومان می‌شد.

از تو درخواست سوء پیشینه نشد؟

سه بار درخواست کردند. گفتم آن را برای‌تان می‌آورم و آنها هم قبول کردند بعدا گواهی سوء پیشینه را تحویل دهم.

تو که می‌دانستی سابقه‌داری؟

تصور می‌کردم چون حبسش را کشیده‌ام و دو سال از آن ماجرا گذشته، سابقه‌ام پاک می‌شود.

چرا به زندان افتادی؟

در یک باشگاه به‌عنوان سرایدار و نظافتچی مشغول کار بودم. از کمد ورزشکاران باشگاه پول، طلا و لوازم سرقت می‌کردم و با شکایت مدیر باشگاه دستگیر شدم.

ساعت را چطور سرقت کردی؟

می‌دانستم ساعت سفیر از جنس طلا و برلیان است و قیمت بالایی دارد. آن را برداشتم و از خانه خارج شدم. به اسلامشهر رفتم تا برای سفر به غرب کشور آماده شوم که ماموران رسیدند و دستگیرم کردند. وقتی دستگیر شدم، فهمیدم ساعت ۵ میلیارد تومان ارزش دارد.

معمای زن گمشده و پژوپارس سوخته

لیلا حسین زاده
گروه حوادث

با گذشت چهار روز از مفقودی اسرارآمیز یک زن ۳۲ ساله بندرعباسی، خودروی سوخته او در حالی توسط اهالی پیدا شد که هیچ اثری از زن در آن نبود. به گفته برادر این زن، پرونده خواهرش در حالی در اداره پلیس آگاهی سیریک در حال پیگیری است که آنها به چند نفر مظنون هستند.

غروب جمعه حوالی ساعت تقریبا شش و نیم بعد از ظهر سامیه نمردی به خانواده‌اش گفت برای انجام کاری به مغازه‌اش در بندرعباس می‌رود و تا زمان صرف شام به خانه برمی‌گردد. سامیه از خانه بیرون رفت اما وقتی زمان بازگشتش طولانی شد، برادرش با او تماس گرفت اما تماس‌هایش بی‌پاسخ ماند.

خواهر سامیه به جام‌جم می‌گوید: «برای ما مشخص نیست چه کسی با خواهرم تماس گرفت یا چه اتفاقی افتاد که تصمیم گرفت از خانه خارج شود. پس از این‌که تماس‌های برادرم با سامیه بدون پاسخ ماند، خواهرم ساعت ۲۲:۴۵ همان شب تماس گرفت و گفت نزدیک خانه هستم. ۳۰ دقیقه از آخرین پیامش گذشته بود که دوباره به برادرم پیام داد و گفت کار دارم و دیر به خانه می‌رسم. همین طور که خانواده منتظر بازگشتش بودند، ساعت ۳ بامداد روز شنبه یکی از همشهری‌های‌مان تماس گرفت و گفت یک خودروی پژو پارس سفید آتش گرفته و با توجه به پلاکش فکر می‌کنم متعلق به سامیه باشد. برادرم به محل رفت و دید ماشین کاملا سوخته. آنها شروع به جست‌وجو در داخل ماشین کردند اما هیچ اثری از وجود سامیه در آن نبود. چند کیلومتری اطراف ماشین را گشتند اما هیچ اثری از خواهرم پیدا نشد.»

او در ادامه می‌گوید: «خواهرم یک دختر ۱۱ ساله دارد اما از شوهرش جدا شده است. البته ما از این موضوع اطلاع نداشتیم. زیرا چیزی از زندگی‌اش به ما نمی‌گفت. روزی که سامیه از خانه خارج شد، عروس‌مان متوجه تغییر رفتارهایش شد و گفت آن روز سرش دائم در گوشی تلفن بود و مدام از مرگ صحبت می‌کرد. او همان موقع از خواهرم پرسیده بود چیزی شده یا اتفاقی رخ داده که گفته بود چیزی نیست. از زمانی که سامیه مفقود شده، خانه ما آرامش خود را از دست داده و دست کمی از خانه‌ای که مراسم عزا در آن برگزار کرده‌اند ندارد. خواهرم آن روز به جز یک گوشواره و گردنبند وسیله خاص دیگری همراهش نبود. سامیه با هیچ‌کس دشمنی نداشت و سرش به زندگی خودش گرم بود. رفتارش این‌طور نبود که مثلا کسی به گروگانگیری فکر کند. شاید کسی می‌دانست که خواهرم آخر هفته به روستای ما و خانه مادرمان می‌آید. هر کسی بود حداقل ماشینش را می‌سوزاند و به خودش کاری نداشت. در حال حاضر پرونده سامیه در اداره آگاهی سیریک است. به خودم گفتم باید این موضوع را رسانه‌ای کنم. چون پای جان یک انسان در میان است؛ انسانی که یک فرزند دارد و فرزندش چشم به راه اوست. از پلیس آگاهی سیریک تقاضا داریم هرچه سریع‌تر پرونده خواهرم را پیگیری کنند و پرونده‌اش را به نتیجه برسانند.»

برادر سامیه نیز در توضیح روند رسیدگی به پرونده مفقودی خواهرش به جام جم می‌گوید: «در فیلم دوربین مداربسته دیدم یک نفر که هویت او نامشخص است، ماشین خواهرم را آتش می‌زند. ما به چند نفر مظنون هستیم اما هنوز هیچ‌کس دستگیر نشده. امیدواریم پلیس آگاهی رد و نشانی از خواهرم پیدا کند.»

قتل شوهر به دلیل دوستان ناباب

زن جوان در جریان درگیری با شوهرش بر سر رفت‌وآمد دوستان ناباب به خانه‌شان و نیت شوم آنها، او را با ضربات چاقو کشت و در چاه انداخت.

به گزارش خبرنگار جام جم، روز شنبه یازدهم مهر امسال مردی به اداره پلیس در لواسانات تهران رفت و اعلام کرد دوستش به طرز مشکوکی ناپدید شده است. او در تشریح ماجرا گفت: بصیر ۳۷ ساله و تبعه افغان است. بصیر و همسرش به‌عنوان سرایدار در خانه باغی در یکی از روستاهای لواسانات زندگی می‌کنند. صاحبخانه خیلی کم به آنجا تردد دارد. آخرین بار روز جمعه دوستم را دیدم و بعداز آن تلفنش را جواب نداد و خاموش شد. چند مرتبه مقابل خانه‌شان رفتم که همسرش گفت خانه نیست. آخرین بار مدعی شد شوهرش به افغانستان رفته و او نیز به زودی به آنجا می‌رود. آنها با هم اختلاف و درگیری داشتند. اگر بصیر می‌خواست به افغانستان بازگردد، از من خداحافظی می‌کرد. می‌ترسم زنش بلایی سر او آورده باشد. پس از این شکایت پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و تحقیقات ماموران پلیس آگاهی تهران آغاز شد. زن بصیر به اداره پلیس احضار و در تحقیقات گفت: من و شوهرم دو سال قبل ازدواج کردیم و از افغانستان به تهران آمدیم. او مدتی در کارگاه ساختمانی کار می‌کرد و از یک سال قبل برای سرایداری خانه باغ ویلایی به یکی از روستاهای لواسانات تهران آمدیم. اختلاف و درگیری نداشتیم. چون مادر شوهرم بیمار بود شوهرم برای دیدن او به افغانستان رفت و به زودی بازمی‌گردد. دوست شوهرم دروغ می‌گوید. من قرار نیست جایی بروم. با توجه به اظهارات زن و گفته‌های دوست مرد سرایدار، پلیس احتمال داد ممکن است او به قتل رسیده باشد. درادامه تیمی از ماموران برای بررسی خانه زوج سرایدار به خانه باغ روستایی اعزام شدند و پی بردند بخشی از فرش خانه که رگه‌های خون روی آن مانده به تازگی شسته شده است. رد خون خشک شده هم روی دیوار دیده می‌شد. گروه خون کشف شده با گروه خون مرد گمشده بررسی و با توجه به آن فرضیه قتل مرد پررنگ شد. با بازداشت زن سرایدار با دستور قضایی و انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران، متهم سرانجام عصر یکشنبه به قتل شوهرش اعتراف کرد و گفت: شوهرم مدتی بود دوستانش را برای خوشگذرانی به خانه می‌آورد. من از این کار او خوشم نمی‌آمد و سر این موضوع با هم درگیر بودیم. دوستان او افراد درستی نبودند و برایم ایجاد مزاحمت می‌کردند و رفتار مناسبی با من نداشتند. دیگر از این وضع و نیت‌های بد آنها نسبت به خودم خسته شده بودم. جمعه شب سر همین موضوع با شوهرم جر و بحثم شد و دعوایمان بالا گرفت. من از این‌که او حاضر نمی‌شد از دوستانش دور شود عصبانی شدم و با برداشتن چاقویی از آشپزخانه به شوهرم حمله کردم و تصور می‌کنم با هفت ضربه او را کشتم. چاقو را شستم و پنهان کردم. مانده بودم با جسد او چه کنم.

متهم زن ادامه داد: می‌ترسیدم دیر یا زود کسی متوجه غیبت شوهرم شود و ماجرا لو برود که یاد چاه باغ افتادم. نیمه شب آن را به داخل چاه انداختم و روی آن را مسدود کردم. روز بعد که دوستش سراغش آمد به دروغ وانمود کردم به افغانستان رفته اما او شک کرد و به پلیس خبر داد که لو رفتم و دستگیر شدم.

سرهنگ مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این زن دیروز تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل جنایت رفتند و جسد مرد جوان را از داخل چاه ۲۵ متری خارج کردند. تحقیق از متهم زن ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

عوامل شهادت ۴ مامور اعدام شدند

علیرضا سپاهی و علیرضا رئیسی دو تن از عناصر جنایت اصفهان که اقدامات فجیع و وحشیانه‌شان منجر به شهادت مظلومانه چهار نیروی فراجا شده بود، دیروز به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضاییه، در جریان کودتای ۱۸دی سال گذشته در اصفهان، چهار نفر از ماموران نیروی انتظامی و حافظان امنیت به طرز فجیعی به شهادت رسیدند.

متن کامل

مادر، قاتل فرزندش را بخشید

مادر داغدیده شوهرش را پس از قتل پسر معلولشان بخشید.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل بهار امسال در حادثه آتش‌سوزی ساختمانی در یکی از محله‌های جنوب تهران پسر ۱۸ ساله معلول دچار سوختگی شد و بعد از ۱۰ روز بستری در بیمارستان فوت کرد. والدین او در تحقیقات پلیسی مدعی شدند فرزندشان خودکشی کرده و از کسی شکایت ندارند اما بعداز چند ماه پزشکی قانونی اعلام کرد، مرگ او براثر عفونت ناشی از سوختگی بوده و به نظر می‌رسد حادثه عمدی باشد. مرداد امسال والدین او به اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار شدند تا این‌که پدر میانسال خانواده به قتل فرزند معلولش اعتراف کرد و روانه زندان شد. باگذشت نزدیک به سه ماه از بازداشت متهم او دیروز برای آخرین جلسه تحقیقات قضایی به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت: فرزندم دو ساله بود که از بلندی افتاد و معلول شد. مدام اعضای خانواده را اذیت می‌کرد و گاهی کتکش می‌زدیم.

عصر روز حادثه پسر معلولم دوباره با من جر و بحث کرد و به زور می‌خواست او را برای تفریح بیرون ببرم و برایش کباب بخرم.

متهم ادامه داد: اما من که کار داشتم گفتم یک روز دیگر که قبول نمی‌کرد. عصبی شدم و ظرف بنزین را روی بدنش ریختم و با زدن فندک او را به آتش کشیدم. سعی کردم آتش را خاموش کنم که دستانم هم دچار سوختگی شد. واو در بیمارستان فوت کرد و از این اقدام پشیمانم. این در حالی بود که مادر داغدیده بعد از شنیدن گفته‌های شوهرش او را بخشید.

رضا اعلائی بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به گذشت مادر مقتول، پرونده متهم به قتل به‌زودی برای محاکمه از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال خواهد شد.

خودکشی عامل قتل عام خانوادگی

مردی که چهارعضو خانواده همسرش را در مرند به قتل رسانده و گریخته بود، خودکشی کرد.

سرهنگ علی اسدیان فرمانده انتظامی شهرستان مرند به سایت پلیس گفت: چندروز پیش مردی چهار نفر از اعضای خانواده همسرش را در یکی از روستاهای اطراف شهرستان مرند به قتل رساند و متواری شد . سرانجام مشخص شد قاتل از ترس دستگیری، اقدام به خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده که بدین‌ترتیب جسدش کشف شد.

۲ محبوس در آوار معدن

فرماندار فاریاب در جنوب استان کرمان از ریزش معدن و گرفتارشدن دو نفر در زیر آوار خبر داد.

غلامرضا محسنی به ایرنا گفت: بعدازظهر دوشنبه گزارش ریزش یکی از معادن فعال در محدوده مرزی شهرستان فاریاب و حاجی‌آباد هرمزگان به ستاد مدیریت بحران گزارش شد که تیم‌های امداد و نجات هلال احمر، اورژانس به آنجا رفتند و تلاش‌ها برای امدادرسانی ادامه دارد.

سارینا قاتل نبود!

عامل جنایت خونین یک نوجوان در اهواز دختر ۱۵ ساله نبود.

به گزارش خبرگزاری فارس، طی روزهای گذشته، انتشار داستانی تلخ و پرحاشیه درباره یک درگیری خیابانی مرگبار در اهواز با محوریت دختری به‌نام «سارینا» در شبکه‌های اجتماعی سروصدای زیادی به‌پا کرده و به یکی از موضوعات داغ برای کاربران تبدیل شده است.

متن کامل